

[اطلاعات شخصی افراد حذف شده است]

بسمه تعالی

مورخ: ۲۷ مهرماه ۱۳۹۲

خدمت ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

سلام علیکم

با احترام اینجانب پیام ولی فرزند عبادالله ساکن کرج [حذف شده] به شماره ملی [حذف شده] از شهروندان بهائی ایرانی می‌باشم که متأسفانه سالیان درازی است که صرفاً بخاطر اعتقادات دینی بنده و خانواده‌ام بارها در کشور مقدس ایران مورد تبعیض و ظلم قرار گرفته‌ایم که در ادامه تظلم خواهیم به آنها بصورت کلی خواهم پرداخت لذا از آن مقام عالی محترم استدعا دارم تا بر اساس اعتقادی نیکی که به حقوق برابر اقلیت‌ها و انسان‌ها دارید دستورات لازم جهت رسیدگی منصفانه به تظلم خواهیم را مبذول فرمایید.

۱- در سال ۱۳۶۹ که فقط ۹ سال داشتم و کودکی بیش نبودم جسد بی‌جان برادر معصوم ۱۲ ساله‌ام بنام افشین ولی را در روستای حسین‌آباد از توابع شهرستان نظرآباد کرج پیدا کردیم که بدست اربابان تعصب و جهل کشته شده بود که البته در مورد صحت این واقعه غیرانسانی و ضد بشری می‌توانید از مردم شریف بومی آن روستا تحقیق به عمل بیاورید تا حقیقت برای حضرت‌عالی روشن گردد و ملاحظه نمایید که چه ظلم‌های عظیمه ای را بنده و خانواده‌ام در طول سالهای گذشته صرفاً بخاطر اعتقادات دینی تحمل نموده و می‌نماییم و حال نیز متأسفانه حتماً ترور شهروند مظلوم بهائی ساکن بندرعباس بنام عطاءالله رضوانی را نیز شنیده‌اید که حدود ۲ ماه پیش در آن شهر بضر بگلوله کشته شد که البته مطلع می‌باشید که اینگونه فجایع ضد بشری چگونه می‌تواند امنیت جانی شهروندان بهائی ایران از جمله بنده و اعضای خانواده‌ام را مجدداً مورد تهدید قرار دهد و نفوس خواب و غافل را به این خیال اندازد که می‌توانند پا فراتر از قانون بردارند و جان و مال گروهی از شهروندان محترم ایرانی را صرفاً بخاطر اعتقادات دینی مورد تعرض قرار دهند و بخیال باطل که قانون مملکت از آنها حمایت خواهد کرد به اقدامات ضد انسانی‌شان ادامه بدهند. لذا از آن مقام عالی مملکتی استدعا دارم تا طبق قانون اساسی کشور دستورات لازم جهت حفظ امنیت جان و مال شهروندان ایرانی (بهائیان) را مبذول فرمایید.

۲- در سن جوانی بعد از اتمام تحصیلات متوسطه متأسفانه با این اقدام اشتباه و غیرانسانی روبرو شدم که صرفاً بخاطر اعتقادات دینی بنده و ۶ خواهر و برادر دیگرم نمی‌توانیم وارد دانشگاه شویم و متأسفانه ما را از ادامه تحصیل در قرن ۲۱ در کشور مقدس ایران محروم کردند که اثرات این اقدام تاکنون در زندگی بنده تأثیرات منفی داشته و خواهد داشت. حال سؤال بنده از مسئولین محترم کشور این است که چرا جوانان بهائی ایران از جمله بنده را از ادامه تحصیل در دانشگاه محروم کرده و می‌کنند؟ خواهشمندم پاسخ این سؤال را عنایت فرمایید.

۳- در سال ۱۳۸۷ با توجه به آنکه بنده از تحصیل رشته موردعلاقه‌ام در دانشگاه محروم شده بودم جهت امرار و معاش و تهیه خورده نانی حلال جهت اداره معیشتی خانواده‌ام که متأهل نیز بودم و دارای اولاد به صنف عینک‌سازی روی آوردم و در شهرستان نظرآباد به کسب‌وکار مشغول شدم. متأسفانه در آن سال با وجود آنکه بنده دارای پروانه کسب ۳ ساله و ۱۰ ساله عینک‌سازی از اتحادیه صنفی مربوطه از سال ۱۳۸۱ بودم و نیز دارای گواهینامه فنی عینک‌سازی از وزارت کار از سال ۱۳۸۰، بدستور غیرقانونی شورای تأمین شهرستان نظرآباد توسط اداره اماکن محل کسب پلمب گردید که با طرح دعاوی‌های مستمر و قانونی در مراجع صالحه مملکتی از دادگاه شهرستان نظرآباد گرفته تا دیوان عدالت اداری و کمیسیون اصل نودم متأسفانه تاکنون که حدود بیش از ۵ سال از پلمب محل کسب می‌گذرد صرفاً بخاطر اعتقادات دینی از حقوق حقه شهروندی اینجانب در خصوص حق کسب‌وکار و امرار معاش دفاع نشده است و با وجود آنکه بارها اپتومتریستهای مختلفی را جهت مسئول فنی عینک‌سازی به شبکه بهداشت شهرستان نظرآباد معرفی کرده‌ام ولی تاکنون ادارات ذیربط از اجرای قانون سر باز زده‌اند لذا با توجه به آنکه در

طول ۵ سال گذشته برای پنجمین بار با طرح شکایت در دیوان عدالت اداری بطرفیت شورای تأمین شهرستان نظرآباد از حقوق حقه خود دفاع نمودم و پرونده مربوطه در شعبه ۳ دیوان عدالت اداری به شماره پرونده ۹۲۰۹۹۸۰۹۰۰۰۱۳۳۸۵ در جریان است خواهشمندم با توجه به مدارک ارائه شده در پرونده شعبه موردنظر دستورات لازم را جهت حفظ امنیت مالی و شغلیم بعنوان یک شهروند ایرانی با حقوق برابر طبق قانون اساسی کشور را مبذول فرمایید.

۴- حدود ۳ سال پیش بعلت آنکه بنده از طرق قانونی پیگیر حقوق اولیه شهروندیم که نقض شده و می‌شود بودم مورد اتهامات واهی بعضی از مأمورین اطلاعات کرج قرار گرفتم و بیش از ۲ ماه بنده را تحت فشار قرار دادن تا از ادامه حق‌خواهی از طرق قانونی دست بردارم و به زندان و تحت شکنجه‌های روحی قرار دادند که البته در نهایت در دادگستری شهرستان نظرآباد در رابطه با اتهامات واهی وارده تیرعه شدم که البته پس از آن اقدامات غیرانسانی فراتر نهاده و پدر خانم بنده را نیز حدود ۵ ماه در زندان رجائی شهر مورد شکنجه روحی قرار دادند تا به این طریق فشار روانی مضاعف شدیده‌های بر بنده و خانواده‌ام ایجاد کنند تا سرپوشی بر روی این‌گونه اقدامات غیرانسانی نهند و الا آنکه حسابش پاک است از محاسبه چه باک است لذا خواهشمندم دستورات لازم جهت رسیدگی به تخلفات مأمورین ذکر شده در خصوص مورد تعرض قرار دادن غیرقانونی به حقوق اولیه شهروندی و حیثیتم که عرض نمودم را فرمایید تا با این‌گونه اقدامات غیرقانونی و فراقانونی موجب خدشه‌دار شدن اعتبار ادارات دولتی از جمله اداره اطلاعات در اذهان عمومی مردم نشوند که همانطور که مطلع می‌باشید ادامه این‌گونه اقدامات غیرقانونی که به حیثیت شهروندان از جمله بنده وارد کرده‌اند چه اثرات منفی و سوئی می‌تواند در اذهان عمومی ملت ایجاد کند. در انتهای توجه حضرت‌عالی را همانطور که بهتر می‌دانید به حقوق اولیه شهروندان بهائی از نظر مقام معظم رهبری جلب می‌نمایم.

۱- به استناد بند ۲ بخش (ج) نامه شماره ۱۳۲۷ مورخ ۶ بهمن ۱۳۶۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی عنوان ریاست محترم دفتر مقام معظم رهبری در خصوص جایگاه حقوقی و اجتماعی بهائیان پیشنهاد فراهم نمودن امکانات لازم برای زندگی و حقوق عمومی مانند سایر شهروندان ایرانی از قبیل دفترچه بسیج و گذرنامه و جواز دفن و اجازه کار و امثال اینها که مورد تأیید مقام معظم رهبری در هاشم نامه فوق‌الذکر قرار گرفته است.

حال از آن مقام عالی مملکتی استدعا دارم تا طبق قانون اساسی نسبت به حقوق شهروندیم بعنوان یک شهروند ایرانی بهائی (حقوق برابر مانند سایر شهروندان ایرانی) حقوق برابر در تمام سطوح حقوقی و اجتماعی در سطح ملی در نظر گرفته شود تا جلوی ظلم و عدوان بیشتر که صرفاً بخاطر سوء تفاهات عمیقی ایجاد شده گرفته شود تا دیگر شهروند بهائی دیگری بخاطر مباح بودن خورش ریخته نشود و یا بعلت اعتقادات دینیش که جزء خصوصی‌ترین حقوق هر انسان است مورد تعرضات جانی و مالی قرار نگیرد و یا زندانی نگردد و یا مورد تهمتها و افتراعات بی‌اساس قرار نگیرد. چرا که هر شهروند ایرانی بهائی همانند بنده حقیر عاشق ایران و ایرانیان هستیم و آرزو مندیم در جهت آبادانی هر چه بیشتر ایران زمین دست در دست ایرانیان نهیم و دست هر کس که در جهت پیشرفت و آبادانی ایران می‌کوشد را بفشاریم. انشاء الله در جهت خدمتی که به این نیت آغاز کرده‌اید همیشه موفق و پایدار باشید.

با تشکر فراوان

بنده حقیر پیام ولی [امضا]

۲۷ مهر ۱۳۹۲

[شماره تلفن: [حذف شده]]

[یادداشت دست‌نویسی در بالای نامه]

در ۳ صفحه تنظیم شده

[متن بالا رونویسی از اصل سند است. اگر به نکته‌ای برخورد کردید که دقیق رونویسی نشده است لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید]